رضوان حکیم‌زاده، معاون ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

در کیفیت مدارس دولتی عدالت نداریم

ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

شاید نقلی از تیتر «هم‌شکر و هم‌شکایت» روزنامه «فرهیختگان» به گوش‌تان خورده باشد یا آن را خوانده باشید. این تیتر و آن فضایی که برای انتخاب آن وجود داشت می‌تواند به بسیاری از موضوعات و مباحث تعمیم داده شود. به هرحال با اتکا به همین پیش‌فرض، سراغ مساله عدالت آموزشی رفتیم و با یکی از مسئولان عالی نظام آموزشی کشور به گفت‌وگو نشستیم.

شاید اسم رضوان حکیم‌زاده، معاون ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش را شنیده باشید. خصوصا این چند هفته اخیر و بعد از برنامه تلویزیونی «زاویه» که در مناظره با ماهرو‌زاده عضو شورای عالی آموزش‌وپرورش حاضر شده بود و در ارتباط با عدالت آموزشی سخنانی گفت. البته غرض گفت‌وگو با حکیم‌زاده این اتفاق اخیر نبوده، او مدت‌هاست به طرق مختلف و با بیانات گوناگون در ارتباط با مساله عدالت آموزشی صحبت می‌کند و در عین حال از مسئولان عالی نظام آموزشی کشور و معاون وزیر آموزش‌وپرورش است. آن شکر و شکایتی که در ابتدا گفتیم، دقیقا همینجاست و شکر از اینکه یک نفر در هرم بالایی نظام آموزشی کشور معتقد به عدالت آموزشی و حق آموزش برای همه مردم از همه طبقات آموزشی است و درباره آن واکنش‌های مختلفی نشان می‌دهد و از طرف دیگر هم شکایت از اینکه وقتی سخن از عدالت آموزشی و عدم توجه دولت به این مساله می‌شود، امثال حکیم‌زاده و معاونان آموزش‌وپرورش و تصمیم‌گیران عالی این حوزه خودشان هم باید یاسخگوی وضع موجود باشند. بنابراین همان طور که از دغدغه عدالت در حوزه آموزش از سوی مدیران ارشد آموزشی کشور هرچند قلیل و انگشت‌شمار خرسندیم و استقبال می‌کنیم، از عدم پاسخگویی و عدم نمود قابل توجه عدالت در آموزش هم نگران هستیم و به حد توان آن را نقد و با آن مقابله می‌کنیم. با این مقدمه گفت‌وگو با رضوان حکیم‌زاده، معاون ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش دولت دوازدهم، یکی از تندروترین دولت‌ها در حوزه خصوصی‌سازی آموزش‌وپرورش را آغاز کردیم.

عدالت آموزشی از دو منظر کمی و کیفی قابل بررسی است

عقبه «فرهیختگان» و مقدمه مبسوطی که در ابتدا گفتیم، تقریبا سمبر مصاحبه را روشن کرده بود. این که چه می‌گوییم و دنبال چه هدفی در گفت‌وگو هستیم، همه‌اش هم در یک کلیدواژه خلاصه می‌شد و آن هم عدالت آموزشی است. خانم حکیم‌زاده شما به عنوان معاون وزیر آموزش‌وپرورش و یکی از افراد شاکله در نظام آموزشی کشور یکی از تندروترین دولت‌ها در حوزه خصوصی‌سازی آموزش فعالیت می‌کنید و مسئولیت عالی دارید. فکر می‌کنم بتوانید تعریف خوبی از این عدالت آموزشی ارائه کنید؟ اگر موافقید در این‌باره با کمی حرف بزنیم.

اصیدوارم در این گفت‌وگو بتوانیم از منظرهای دیگری که قبلا دربار‌ه آن صحبت نکرده‌ام، به موضوع وارد شویم و تکرار حرف‌های گذشته نشود. به نظر من روی مفهوم شناسی عدالت آموزشی باید بیشتر کار شود تا بتوانیم توافق ذهنی بیشتری داشته باشیم. آن چیزی که درباره عدالت صحبت می‌کنیم چست‌وشامل چه چیزهایی می‌شود چه چیزهایی شامل نمی‌شود. درباره مفهوم‌شناسی عدالت آموزشی، مقوله عدالت آموزشی یک معنای کمی و یک معنای کیفی دارد. معنای کیفی دسترسی به آموزش است. این که هر کودکی صرف‌نظر از تمایزات فرهنگی، قومی، زبانی و مذهبی امکان درس خواندن و مدرسه رفتن داشته باشد. خوشبختانه در این زمینه دستاوردهای خوبی اتفاق افتاده است و در رابطه با بحران بی‌دسترسی هم‌شاخص‌های مدارس‌ها در استان‌های کم‌برخوردار‌تر نشان می‌دهد پوشش بی‌دسترسی که کلید عدالت آموزشی است، بیشتر از استان‌های برخوردار است، اما مفهوم کیفی عدالت آموزشی شاید کمتر مورد توجه و عنایت قرار گرفته است و آن فرصت‌های برابر برای یادگرفتن است. فرصت‌های برابر برای یادگرفتن در گرو کیفیت‌های عناصر‌های مداخله‌گر در امر آموزش است که اگر یک نگاه سیستمی به قضیه داشته باشیم، این گونه طرح موضوع کیفی است اگر کم‌اول (ادرست بدانیم و همه دسترسی به آموزش پیدا کردند (در معنای کمی عدالت آموزشی)، آیا این به این معناست که همه آدم‌ها یک اندازه با همه کودکان به یک اندازه امکان یادگرفتن هم دارند؟ (معنای کیفی عدالت آموزشی) یک موضوع به تفاوت‌های فردی اذعان دارد ما می‌گردد که این تفاوت‌های فردی خلقت خدادادی است و کسی نمی‌تواند آنها را انکار کند، اما جدای از تفاوت‌های فردی کودکان آیا موضوعات دیگری وجود دارد که سبب شود عده‌ای از کودکان فرصت بهتری برای یادگیری داشته باشند و عده‌ای از کودکان فرصت کمتری برای یادگیری داشته باشند؟ به صورت خاص کیفیت عناصر دخیل در آموزش خصوصا کیفیت معلم، کیفیت فضای آموزشی، برنامه‌های درسی و زمان آموزش چهار عامل هستند که به شدت بر کیفیت فرصت یادگیری برابر اثر می‌گذارند و آن را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند. بحث زمان آموزش به این بر می‌گردد که هر دانش‌آموز فرصت زمان یادگیری و توجه اختصاصی معلم را با چند دانش‌آموز دیگر در کلاس تقسیم کند و به خاطر همین است که در موضوع شورای عالی آموزش‌وپرورش مصوبه سال ۸۶، گفته شده تراکم استاندارد و مطلوب برای کلاس درس ابتدایی ۲۰ نفر است. حداکثری که اجازه داده ۲۶ نفر است. این به این معناست که اگر معلم ۲۰ شاگرد یا حداکثر ۲۶ شاگرد داشته باشد، می‌توانیم از او انتظار داشته باشیم که در هر زمینه، یعنی برای هر کودک، با رخوردِ بعدوفرصت یادگیری برای آنها فراهم کند، اما زمانی که تراکم بالاتر می‌رود این عدالت مخدوش می‌شود، یعنی از زمان کودکی که در یک کلاس با تراکم بالاتر است، به نفع کودکی که در یک کلاس با تراکم کمتر حضور دارد، کم می‌شود و این برابری اینجا دچار مشکل می‌شود.

بسیاری از مسائل مربوط به عدالت آموزشی مورد غفلت قرار گرفته است

پس این مسئله می‌تواند یکی از مصادیق بروز بی‌عدالتی آموزشی در معنای کیفی آن باشد؟ درست است؟

بله. اگر از این منظر بخواهیم به عدالت آموزشی نگاه کنیم، تعداد زیادی از کودکان ما در حاشیه شهرها، در شهرهای برجمعیت ما در مدارس دولتی و در کلاس‌های درسی حضور دارند که فرصت یادگیری برابر با کودکان دیگر مطلوب و بالاتر از حد اکثر تراکم است و این به این معناست که اینها فرصت‌های یادگیری کمتری دارند. بحث بعدی هم کیفیت معلمی است که سر راه کلاس حاضر می‌شود که این مساله واقعا مهمی است. اگر ما معلمی را با رشته مرتبط، با گذراندن دوره کارآموزی (که بسیار مهم است و در سند تحول بنیادین به عنوان یک دوره تحصیلی و بنیادین به آن توجه شده است) وارد پروسه آموزش کنیم، خیلی فرق دارد تا اینکه شخصی را صرفا با هر رشته‌ای بدون اینکه آموزش‌دیده باشد، روانه کلاس درس کنیم و صرف اینکه کلاس درس برگزار می‌شود بگوییم فرصت‌های یادگیری ذاتی آموزان برابر است. درست نیست، چراکه در هر شرایط یعنی شرایطی که یک معلم فرصت‌دیده خوب دارد و هم اینکه یک معلم بدون آموزش و آمادگی لازم است، کودکان این دو کلاس فرصت‌های یادگیری یکسانی ندارند، از تاکید بر فضا و تجهیزات و برنامه‌های درسی هم خود مرکز نیستم، چون برنامه‌های درسی ما متمرکز است و ما یک برنامه درسی را برای همه کشور اجرا می‌کنیم. البته چالش وجود دارد، اما در عین حال کیفیت برنامه‌های درسی متمرکز است و مساله قابل توجه در اینجا هم کیفیت اجرای برنامه درسی است که به کیفیت معلم بستگی دارد و قبلا اینجاست که شاخص‌های یک همه یکسان نیست. تاثیر کیفیت همسالان در کلاس درس نکته‌ای است که کمتر مورد توجه بوده و مورد غفلت جدی واقع شده است، یعنی تصور اینکه یادگیری خوب، چه زمانی اتفاق می‌افتد بدون در نظر داشتن تاثیری که سرآمدها و بچه‌های بااگیزنتر در کلاس درس دارند، امری غیرممکن است. اگر بچه‌های سرآمد و بچه‌هایی را که اگر زمینه‌ساز و توانایی بیشتری از یک محیط نرمال و کلاس درس عادی دارند، حذف کنیم، آن چیزی که به جایی می‌ماند، اولا یک کلاس فاقد الگوهای رفتاری و تربیتی و تحصیلی برای یادگیری بیشتر است و ثانیا اتفاقی که می‌افتد از جهت زبان شناختی است و بسیار مضحک و این اینکه به معلمان و دانش‌آموزان می‌فهمانیم که شما آدم‌های باهوشی نبودید برای اینکه بتوانید این امکان را پیدا کنید تا شما را جدا کنند و آموزش دیگری به شما بدهند.

بسیاری از مسائل مربوط به عدالت آموزشی مورد غفلت قرار گرفته است

پس این مسئله می‌تواند یکی از مصادیق بروز بی‌عدالتی آموزشی در معنای کیفی آن باشد؟ درست است؟

بله. اگر از این منظر بخواهیم به عدالت آموزشی نگاه کنیم، تعداد زیادی از کودکان ما در حاشیه شهرها، در شهرهای برجمعیت ما در مدارس دولتی و در کلاس‌های درسی حضور دارند که فرصت یادگیری برابر با کودکان دیگر مطلوب و بالاتر از حد اکثر تراکم است و این به این معناست که اینها فرصت‌های یادگیری کمتری دارند. بحث بعدی هم کیفیت معلمی است که سر راه کلاس حاضر می‌شود که این مساله واقعا مهمی است. اگر ما معلمی را با رشته مرتبط، با گذراندن دوره کارآموزی (که تبصیر مهم است و در سند تحول بنیادین به عنوان یک دوره تحصیلی و بنیادین به آن توجه شده است) وارد پروسه آموزش کنیم، خیلی فرق دارد تا اینکه شخصی را صرفا با هر رشته‌ای بدون اینکه آموزش‌دیده باشد، روانه کلاس درس کنیم و صرف اینکه کلاس درس برگزار می‌شود بگوییم فرصت‌های یادگیری ذاتی آموزان برابر است. درست نیست، چراکه در هر شرایط یعنی شرایطی که یک معلم فرصت‌دیده خوب دارد و هم اینکه یک معلم بدون آموزش و آمادگی لازم است، کودکان این دو کلاس فرصت‌های یادگیری یکسانی ندارند، از تاکید بر فضا و تجهیزات و برنامه‌های درسی هم خود مرکز نیستم، چون برنامه‌های درسی ما متمرکز است و ما یک برنامه درسی را برای همه کشور اجرا می‌کنیم. البته چالش وجود دارد، اما در عین حال کیفیت برنامه‌های درسی متمرکز است و مساله قابل توجه در اینجا هم کیفیت اجرای برنامه درسی است که به کیفیت معلم بستگی دارد و قبلا اینجاست که شاخص‌های یک همه یکسان نیست. تاثیر کیفیت همسالان در کلاس درس نکته‌ای است که کمتر مورد توجه بوده و مورد غفلت جدی واقع شده است، یعنی تصور اینکه یادگیری خوب، چه زمانی اتفاق می‌افتد بدون در نظر داشتن تاثیری که سرآمدها و بچه‌های بااگیزنتر در کلاس درس دارند، امری غیرممکن است. اگر بچه‌های سرآمد و بچه‌هایی را که اگر زمینه‌ساز و توانایی بیشتری از یک محیط نرمال و کلاس درس عادی دارند، حذف کنیم، آن چیزی که به جایی می‌ماند، اولا یک کلاس فاقد الگوهای رفتاری و تربیتی و تحصیلی برای یادگیری بیشتر است و ثانیا اتفاقی که می‌افتد از جهت زبان شناختی است و بسیار مضحک و این اینکه به معلمان و دانش‌آموزان می‌فهمانیم که شما آدم‌های باهوشی نبودید برای اینکه بتوانید این امکان را پیدا کنید تا شما را جدا کنند و آموزش دیگری به شما بدهند.

این که کاری برای عدالت آموزشی صورت نمی‌گیرد به این معنی نیست که امکان تحقق عدالت وجود ندارد

شما در صحبت‌ها به مساله هوش و طبقه اجتماعی و اقتصادی افراد خیلی جدی اشاره کردید. در این سه مولفه‌ای هم که برای بعد کیفی عدالت آموزشی بیان کردید، گفتید مدارس دولتی ما اوضاع خوبی ندارند. وقتی اوضاع خوب نیست مدعی هستیم که اوضاع بهبود پیدا کند؟ اما شواهد موجود نشان می‌دهد هیچ تلاشی برای بهبود اوضاع حداقل در مدارس دولتی نمی‌شود. یک برنامه مدون برای بهبود شرایط مدارس دولتی در کیفیت آموزشی به چشم نمی‌خورد و برعکس هر روز شاهد این هستیم که بر تعداد و کیفیت مدارس غیردولتی و خاص افزوده می‌شود. این با سخنان شما در تناقض است. مضاف بر این از هر شخص و نهادی هم که انتظار پاسخگویی دارید، خودش به نقد وضعیت موجود می‌پردازد و انگار تقصیر مردم بوده که چنین شرایطی در آموزش ایجاد شده است. بله. مثلا خانم حکیم‌زاده که مسئول ابتدایی است به جای اینکه کاری کند، اینجا می‌نشیند و همان‌ها را برای ما بازگو می‌کند.

سعی می‌کردم خیلی مستقیم به شما نسبت ندهم، اما حب، واقعیت همین است. البته به نظر من شما به نسبت بقیه جای خوبی هستید و حداقل هم دغدغه عدالت را دارید و هم کارهایی انجام می‌دهید، اما این چیزی از پاسخگویی شما کم نمی‌کند. وقتی به مسئولان و صاحبنظران و اصحاب‌مسئول این حوزه یا می‌گویند یا طوری رفتار می‌کنند که انگار این مسیر قابلیت تصحیح و بهبوددارد خودشان بی‌توجه به مسیر اصلی آموزش مسیر جدیدی ایجاد می‌کنند و می‌گویند آموزش مطلوب این است و اینجا و در مدرسه ما نتیجه‌اش گنبد. حب، وقتی این چیزها وجود دارد نمی‌توانیم امیدوار باشیم که مسیر آموزش کشور درست شود و در مسیر عدالت آموزشی حرکت خواهیم کرد. متوجه می‌شوید منظورم چیست؟ می‌خواهم بگویم در مسیر عدالت آموزشی که نیستیم، مدارس ما هم که به جای پاسخگویی بهبود وضعیت موجود خودشان دستی بر آتش

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱۴

از به کارگیری اینها محروم هستیم. به نظر من مجلس در این زمینه می‌تواند مسئولانه‌تر وارد شود، هرچند به‌شدت موافق هستیم دوستانی که به کار گرفته شده‌اند و عزیزانی که چند سال زحمت کشیده‌اند حتما نمی‌خواهیم تکلیف شوند ولی اصرار بر به کارگیری نیروهای غیرمتخصص با رشته‌های متفاوت در دوره ابتدایی برای اینکه صرفا شکل استخدام آنها حل شود، کمکی به حل مشکل کیفیت نکرده بلکه این را پیچیده‌تر خواهد کرد. بنابراین ما مجبور هستیم مرتب بگوییم چه چیزی روی کیفیت اثرگذار است و کیفیت معلم بسیار مهم و در گرو این است که آموزش مرتبط دیده باشد و ابعاد مساله را باز کند تا همه کسانی که دست‌اندرکار هستند، آن کارهایی کمی توانند، انجام دهند و ما هم وظیفه داریم انجام دهیم. یکسری از کارها و اقدامات ما آگاه کردن کسانی است که دست‌اندرکار هستند و پیگیری‌های اداری است که باید انجام دهیم و انجام هم می‌شود. سابقه همه مکاتبات وجود دارد. اجرای مصوبه ۹۱۱ شورای عالی آموزش‌وپرورش یکی از کارهایی است که باید انجام شود، اما هنوز محقق نشده، به دلیل اینکه پشتیبانی‌هایی برای این کار انجام می‌گرفت و نگرفت. ما قطعا مسئول یادگیری همه بچه‌ها هستیم و واقعا باید بتوانیم با شواهد مشخص نشان دهیم آمادگی‌های خواندن و نوشتن و حساب کردن بچه‌ها که سه مهارت اصلی هستند، در چه سطحی است و مسئولیت ما این است که این را رتقا ببخشیم. برای تقویت مهارت‌های خواندن و به‌خصوص زبان فارسی اقداماتی را انجام داده‌ایم. همکاران ما شبانه‌روزی کار می‌کنند تا آن چیزی که در اختیارشان هست، انجام دهند، آنچه در اختیار ما نیست امیدوار هستیم دیگرانی که اختیار دارند، انجام دهند.

شرایط فعلی آموزش‌وپرورش و کمبود معلم و... قابل پیش‌بینی بود اما نمی‌دانم چرا کاری برای آن صورت نگرفت

توضیحاتی را در ارتباط با مساله کمبود معلم و... دادید و وضعیت فعلی را هم قابل پیش‌بینی دانستید. حتی گفتید با یک تغییر رویکرد حداعظمی از مشکلات موجود در ماجرای کمبود معلم حل خواهد شد. قابل به آموزش تخصصی و مهارت‌آموزی به معلمان هم هستید. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که به دلایل مختلفی وضعیت فعلی پیش آمده و ما با کمبود شدید معلم خصوصا در آینده روبه‌رو هستیم. برای بهبود وضعیت نیروی انسانی هم سال ۹۱ دانشگاه فرهنگیان تاسیس شد تا کمبودها را پوشش دهد. اما خیلی زود در مسیر حرکت این دانشگاه انحراف پیش آمد و حالا نتایج آن را مشاهده می‌کنیم. وقتی همه چیز قابل پیش‌بینی بود، چطور می‌شود حالا و در دقیقه ۹۰ و در شرایط بحرانی و با دست خالی به جنگ مساله معلم کمبود معلم بروید؟ چرا به جای تربیت نیرو در دانشگاه فرهنگیان و... سراغ خرید خدمتی‌ها و ماده‌ سوم و هشتمی‌ها رفتیم؟ اجازه بدهید این را هم در بازل بیل به خصوصی‌سازی آموزش توسط دولت قرار دهیم و ادعا کنیم که دولت برای کم کردن هزینه‌ها در جهت تضعیف دانشگاه فرهنگیان کار برداشته تا جهار سال برای نیروی متخصص هزینه نکند. در این‌باره به ما توضیح می‌دهید؟

من نه رئیس مرکز نیروی انسانی و نه رئیس دانشگاه فرهنگیان هستم. در این شرایط من از در مقام پاسخگویی نشانه‌دید و می‌گویید پاسخگوی چیست گیری‌های قبلی و جدید دانشگاه فرهنگیان باشیم و پاسخگوی مشکل اصلی، من نمی‌خواهم جهی باز خوردی نسبت به نکاتی که شما بیان کردید، داشته باشم. چون واقعا مسئولیت من نیست و درست نیست من در مقام پاسخگویی چیزی باشم که سطح مسئولیتی در آن نداشته‌ام. اعتقاد دارم تمام بزرگواریی که در طول زمان مسئولیت داشتند، نیت خیری داشتند، هرچند رویکردها با هم متفاوت بوده است، اما من سال ۵۸ یا ۵۹ گزارش شهید باهنر را می‌دیدم که ایشان وزیر آموزش‌وپرورش بودند و درباره بلوچستان از مناطق عشایری بازدید کرده، حس‌ها و فیلم‌ها موجود است و می‌توانم در اختیار شما قرار بدهم، یک معلم در یک کلاس ۱۶ نفره که ۶ پایه داشتن آمود در آن است و دو نوآموز پیش‌دبستانی دارد، در حال تدریس است. طوری با این بچه‌ها خوندن را کار کرده بود و قتی کتاب فارسی کلاس بالاتر را به دانش‌آموز آمده بود داشتن، خیلی زیبا و راسی خواند. و من آنجا تکوه معلمی را دیدم و واقعا احساس افتخار کردم که بر آموزش‌وپرورش ما روی دوش این عزیزان است. اما می‌دانید این معلم در چه شرایطی کار می‌کند؟ هر روز حدود ۳۵ کیلومتر را دریک جاده خاکی رفت‌وآمد می‌کند، ۲۸ استخدام شدند، بعد از دوره کارورزی در همان روستا کار می‌کردند. این معلم وظیفه هدایت آنها را هم برعهده دارد یا اینکه چیزی به او پرداخت نمی‌کنیم و اینها من توانند تنها در کلاس خود کار کند، اما با آنها هم کار می‌کند اما اینکه تجارب خود را به آنها منتقل کند.

اگر قرار باشد برنامه کارکردها و اعمال خود را ارائه کنیم و بگوییم که در این مدت چه کار کرده‌ایم، حتما حرف‌هایی برای گفتن داریم، اما وقتی ما مسئولان عالیت آموزشی ابعاد وسیعی دارد که اصلا بخش قابل توجهی از آن در اختیار ما نیست. مسائل افزایش تراکم کلاس هاینستیم و نگفتیم دانش‌آموزان در کلاس ۴۶ نفره درس بخوانند یا این طوری تعداد نفرات کلاس‌ها زیاد شده باشیم، اما اصرار داشتیم ما بیشتر کم‌کاین بچه‌ها ۲۶ نفر در یک کلاس باشند. سازمان امور اداری و استخدامی باید نگرش خود را اصلاح و مبنای محاسبه غلط خود را درست کند. میانگین ۲۵ نفر تراکم میانگین کل است و باید این میانگین را کنار بگذارند این اعداد را به دقت برآورد کنند، آن موقع معجزه‌هایی که برای جذب نیرو داده خواهد شد، متفاوت می‌شود و بخش عظیمی از مشکلاتی که الان داریم، حل خواهد شد. الان بسیاری از دانشجویان علوم تربیتی دانشگاه‌های خوب کشور هستند آمادگی دارند کار کنند و متاسفانه به دلیل ساستگذاری غلط مدرسه‌داری، آن هم از نوع خصوصی و پولی بردنش و حتی بر بی‌عدالتی آموزشی دامن زدند، پس ما جطور باید انتظار ایجاد عدالت آموزشی را داشته باشیم؟

آن نکاتی که شما مطرح کردید ترجیحا از خود آن عزیزان بپرسید و من نمی‌توانم پاسخگو باشم ولی از این زاویه نگاه من با شما متفاوت است که آیا می‌توانیم کاری انجام دهیم یا نمی‌توانیم؟ آیا باید کاری انجام دهیم یا نباید کاری انجام دهیم؟ خودشما متوجه هستید خیلی خوب هستید که در هیچ کدام از این مدارس نبودید و بهترین دانشگاه کشور با رتبه خوبی قبول شدید و تحصیلات خود را با موفقیت در کوتاه‌ترین زمان ممکن به پایان رساندید، این نشان می‌دهد اگر بخواهید اتفاق خوبی بیفتد، امکان این اتفاق خوب در مدارس دولتی وجود دارد.

من نظر من مهم‌ترین سرمایه مدارس دولتی ما، معلمان من هستند و همین نیروی انسانی یکی از اصلی‌ترین مسائل در گسترش عدالت آموزشی است. خوشبختانه تعداد بسیار زیادی از آنها فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز تربیت‌معلم هستند و آموزش‌های خیلی خوبی دیده‌اند. این بنیان خیلی خوب را در حوزه معلمان و نیروی انسانی شهید رجایی و شهید باهنر گذاشتند که آنها و برکات آن را تا امروز در مدارس می‌بینیم. نگرانی عمده ما اما از این مساله است که سنوات اینها ۳۵ سال به بالاست و از چرخه آموزش ما خارج شده‌اند و باید ما نتوانسته‌ایم برنامه‌ریزی‌های درستی بکنیم که دچار این بحران کمبود نیروی انسانی در آموزش‌وپرورش شده‌ایم. اما در کل ما این طور مساله را نمی‌بینیم. بعد از صحبت‌هایی که در حوزه عدالت آموزشی شد، خیلی هایه من گفتند وظیفه شما نیست که بیان مساله کنید و شما بگویید راه حل برای مساله چیست. خب، اینکه ما مساله را نمی‌بینیم که این نمی‌نیست که دنبال راه‌حل‌هایی گردیم. بیان مساله را برای این در اینجا می‌کنیم که من مثال آنهایی که آگاهی ندارند و از نیاز آگاهی برآوردهای غلطی از موضوعات موجود در نظام آموزشی دارند، مطلع و به قول معروف روشن شوند که اصل ماجرا چیست و گیر کار کجاست.

ابعاد وسیعی از مساله عدالت آموزشی در اختیار ما نیست

خیلی زیر کلاه از پاسخ دادن به مساله اصلی شانه خالی کردید. اما شاید باسخی برای آن داوند دارد. به هرحال سراغ همین مساله معلمان و کمبود معلم و نیروی انسانی و... و بیودن از مساله عدالت آموزشی برویم. در این‌باره مگر قوانین و اطلاعات و اماری وجود ندارد که مورد بررسی قرار گیرد و به جای نرسیم که ناگهان برای امسال به گفته مسئولان بیش از ۱۰۰ و گاهی ۲۰۰ هزار نفر کمبود معلم داشته باشیم؟

کتابچه مصوبه شورای عالی آموزش‌وپرورش با امضای رئیس‌جمهور را ببینید. آنجا در مصوبه ۸۸۶ که مربوط به این مساله است، گفته شده‌بود برای دهه‌ها تراکم‌دار آموزش کلاس‌ها میانگین کل را بگیرید و بعد در ۲۵ که اعلام می‌شود، اشتباه است. تراکم ما ۲۵ نیست. تراکم ما خیلی بیشتر از اینهاست، چون باید در سه سطح محاسبه شود. این را حتما باید بیان کنیم، چون خیلی جاها خارج از آموزش‌وپرورش این را نمی‌دانند و امیدوار هستیم توجه جامعه و کسانی که تصمیم‌گیری می‌کنند به این خلأهایی که در کیفیت اثرگذار است، جذب شود. کافی است به این مساله که در قوانین هم پیش‌بینی شده، توجه کنیم و همین مصوبه را اجرا کنیم، می‌بینیم تمهیدات لازم اندیشیده شده است. آموزش‌وپرورش کاری کم‌می‌تواست انجام داده است، اما برای اینکه اینها اتفاقات رخ ندهد و ما با مشکلات مختلف در بحث تراکم و تعداد معلمان مواجه نشویم، مصوباتی هم اندیشیده شده ولی اجرا نشده است. پس واقعا با طرح موضوع دنبال این هستیم که بتوانیم توجه و تمرکز بیشتری روی موضوع بگذاریم و این به این معنی نیست که نباید ونمی‌خواهیم کاری کنیم یا نمی‌توانیم کاری کنیم. یک مثال برای شما بزنم، همین موضوع کیفیت‌بخشی فرآیندهای یادگیری در مدارس دولتی را ببینید. در موضوع راهبران آموزشی و ارزیابی دو؛ هر نفر از متخصصان امور تربیتی در آموزش‌وپرورش را که جزء معلمان باتجربه و خوبی هستند. از طریق رزومه و آزمون هایی که گرفتیم، انتخاب کردیم، آموزش و برنامه دادیم که اینها وظیفه کیفیت‌بخشی به کلاس‌های چند پایه، روستایی و عشایری ما را برعهده داشته باشند و سرکشی کنند و اگر به علت کمبود معلم، سربازمعلم آنجا فرستاده‌ایم و او هم آموزش ندیده است، این معلم به او روش تدریس و مدیریت کلاس را آموزش دهد و بگوید که در مدارس چند پایه چطور تدریس کنند. کار پژوهشی انجام داده و متوجه شدیم که اثربخشی این عزیزان چقدر زیاد بوده است. چقدر کارپایه در این کلاس‌ها کم شده است. سطح یادگیری افزایش یافته است. ۳۰ هزار کـودک بازمانده را همراهان ما به مدارس بازگردانده‌اند. من می‌خواهم بگویم علی‌رغم همه نقدهایی که می‌شود به خصوص به معلمان چند پایه، اما باید بگویم آنها معجزه انجام می‌دهند. دو هفته پیش در سیستان و بلوچستان از مناطق عشایری بازدید کردم، حس‌ها و فیلم‌ها موجود است و می‌توانم در اختیار شما قرار بدهم، یک معلم در یک کلاس ۱۶ نفره که ۶ پایه داشتن آمود در آن است و دو نوآموز پیش‌دبستانی دارد، در حال تدریس است. طوری با این بچه‌ها خوندن را کار کرده بود و قتی کتاب فارسی کلاس بالاتر را به دانش‌آموز آمده بود داشتن، خیلی زیبا و راسی خواند. و من آنجا تکوه معلمی را دیدم و واقعا احساس افتخار کردم که بر آموزش‌وپرورش ما روی دوش این عزیزان است. اما می‌دانید این معلم در چه شرایطی کار می‌کند؟ هر روز حدود ۳۵ کیلومتر را دریک جاده خاکی رفت‌وآمد می‌کند، من‌رود بر می‌گردد. جالب است که دو معلم دیگر که ماده ۲۸ استخدام شدند، بعد از دوره کارورزی در همان روستا کار می‌کردند. این معلم وظیفه هدایت آنها را هم برعهده دارد یا اینکه چیزی به او پرداخت نمی‌کنیم و اینها من توانند تنها در کلاس خود کار کند، اما با آنها هم کار می‌کند اما اینکه تجارب خود را به آنها منتقل کند.

ارتقا وسیعی از مسائل عدالت آموزشی در مدارس دولتی وجود ندارد

کتابچه مصوبه شورای عالی آموزش‌وپرورش با امضای رئیس‌جمهور را ببینید. آنجا در مصوبه ۸۸۶ که مربوط به این مساله است، گفته شده‌بود برای دهه‌ها تراکم‌دار آموزش کلاس‌ها میانگین کل را بگیرید و بعد در ۲۵ که اعلام می‌شود، اشتباه است. تراکم ما ۲۵ نیست. تراکم ما خیلی بیشتر از اینهاست، چون باید در سه سطح محاسبه شود. این را حتما باید بیان کنیم، چون خیلی جاها خارج از آموزش‌وپرورش این را نمی‌دانند و امیدوار هستیم توجه جامعه و کسانی که تصمیم‌گیری می‌کنند به این خلأهایی که در کیفیت اثرگذار است، جذب شود. کافی است به این مساله که در قوانین هم پیش‌بینی شده، توجه کنیم و همین مصوبه را اجرا کنیم، می‌بینیم تمهیدات لازم اندیشیده شده است. آموزش‌وپرورش کاری کم‌می‌تواست انجام داده است، اما برای اینکه اینها اتفاقات رخ ندهد و ما با مشکلات مختلف در بحث تراکم و تعداد معلمان مواجه نشویم، مصوباتی هم اندیشیده شده ولی اجرا نشده است. پس واقعا با طرح موضوع دنبال این هستیم که بتوانیم توجه و تمرکز بیشتری روی موضوع بگذاریم و این به این معنی نیست که نباید ونمی‌خواهیم کاری کنیم یا نمی‌توانیم کاری کنیم. یک مثال برای شما بزنم، همین موضوع کیفیت‌بخشی فرآیندهای یادگیری در مدارس دولتی را ببینید. در موضوع راهبران آموزشی و ارزیابی دو؛ هر نفر از متخصصان امور تربیتی در آموزش‌وپرورش را که جزء معلمان باتجربه و خوبی هستند. از طریق رزومه و آزمون هایی که گرفتیم، انتخاب کردیم، آموزش و برنامه دادیم که اینها وظیفه کیفیت‌بخشی به کلاس‌های چند پایه، روستایی و عشایری ما را برعهده داشته باشند و سرکشی کنند و اگر به علت کمبود معلم، سربازمعلم آنجا فرستاده‌ایم و او هم آموزش ندیده است، این معلم به او روش تدریس و مدیریت کلاس را آموزش دهد و بگوید که در مدارس چند پایه چطور تدریس کنند. کار پژوهشی انجام داده و متوجه شدیم که اثربخشی این عزیزان چقدر زیاد بوده است. چقدر کارپایه در این کلاس‌ها کم شده است. سطح یادگیری افزایش یافته است. ۳۰ هزار کـودک بازمانده را همراهان ما به مدارس بازگردانده‌اند. من می‌خواهم بگویم علی‌رغم همه نقدهایی که می‌شود به خصوص به معلمان چند پایه، اما باید بگویم آنها معجزه انجام می‌دهند. دو هفته پیش در سیستان و بلوچستان از مناطق عشایری بازدید کردم، حس‌ها و فیلم‌ها موجود است و می‌توانم در اختیار شما قرار بدهم، یک معلم در یک کلاس ۱۶ نفره که ۶ پایه داشتن آمود در آن است و دو نوآموز پیش‌دبستانی دارد، در حال تدریس است. طوری با این بچه‌ها خوندن را کار کرده بود و قتی کتاب فارسی کلاس بالاتر را به دانش‌آموز آمده بود داشتن، خیلی زیبا و راسی خواند. و من آنجا تکوه معلمی را دیدم و واقعا احساس افتخار کردم که بر آموزش‌وپرورش ما روی دوش این عزیزان است. اما می‌دانید این معلم در چه شرایطی کار می‌کند؟ هر روز حدود ۳۵ کیلومتر را دریک جاده خاکی رفت‌وآمد می‌کند، من‌رود بر می‌گردد. جالب است که دو معلم دیگر که ماده ۲۸ استخدام شدند، بعد از دوره کارورزی در همان روستا کار می‌کردند. این معلم وظیفه هدایت آنها را هم برعهده دارد یا اینکه چیزی به او پرداخت نمی‌کنیم و اینها من توانند تنها در کلاس خود کار کند، اما با آنها هم کار می‌کند اما اینکه تجارب خود را به آنها منتقل کند.

سعی می‌کردم خیلی مستقیم به شما نسبت ندهم، اما حب، واقعیت همین است. البته به نظر من شما به نسبت بقیه جای خوبی هستید و حداقل هم دغدغه عدالت را دارید و هم کارهایی انجام می‌دهید، اما این چیزی از پاسخگویی شما کم نمی‌کند. وقتی به مسئولان و صاحبنظران و اصحاب‌مسئول این حوزه یا می‌گویند یا طوری رفتار می‌کنند که انگار این مسیر قابلیت تصحیح و بهبوددارد خودشان بی‌توجه به مسیر اصلی آموزش مسیر جدیدی ایجاد می‌کنند و می‌گویند آموزش مطلوب این است و اینجا و در مدرسه ما نتیجه‌اش گنبد. حب، وقتی این چیزها وجود دارد نمی‌توانیم امیدوار باشیم که مسیر آموزش کشور درست شود و در مسیر عدالت آموزشی حرکت خواهیم کرد. متوجه می‌شوید منظورم چیست؟ می‌خواهم بگویم در مسیر عدالت آموزشی که نیستیم، مدارس ما هم که به جای پاسخگویی بهبود وضعیت موجود خودشان دستی بر آتش

پردازش کمتر و قدرت یادگیری کمتری داشته باشند که تحت عنوان دیرآموزان از آنها یاد می‌کنیم و یک عده از دانش‌آموزان سرآمد هستند و در مقایسه با همسالان خود وضعیت بهتری دارند (البته بدون مداخله و دوپینگ یعنی بدون اینکه با آنها تمرین کنید). تیزهوش اساسا کسی است که طرح مساله می‌کند نه اینکه در آزمون چند مساله را حل کند و شما برجسب تیزهوش به او بزنید. پس لا‌ابد تعاریف خود را درست کنیم یعنی در رابطه با معنایی که برای تیزهوشی و سرآمدی داریم دقت کنیم و به اتفاق نظر برسیم. نکته بعدی این است که قطعا تفاوت‌های فردی وجود دارد و